سازنده مسابقه استعدادیابی موسیقی:

هرگونه حاشیه درباره «آوای جادویی» را تکذیب می‌کنم

تهیه‌کننده مسابقه «آوای جادویی» تاکید کرد: هرگونه حاشیه را در زمینه نداشتن مجوز برای این مسابقه تکذیب می‌کنم.

او همچنین خاطرنشان کرد: مهم، اتفاقی است که الان رخ داده و مردم برنامه را دوست داشتند و همچنین کمک کردیم تا استعدادهای پنهان جوانان کشورمان نمایان شود.

محمد طهرانی ـ سازنده مسابقه استعدادیابی «آوای جادویی» ـ در گفت‌وگویی با ایسنا درباره روند کلی این مسابقه استعدادیابی موسیقی از زمان تولید تا گرفتن مجوز، حواشی که به همراه داشت، تاثیرگذاری‌اش در جامعه و اهمیت به قشر جوان و استعدادهای پنهان کشور صحبت کرد و به ذکر نکاتی پرداخت.

چرا میان تولید و پخش «آوای جادویی» فاصله افتاد؟

تهیه‌کننده «آوای جادویی» ابتدا با اشاره به اتفاقاتی که برای پخش مسابقه رخ داد و فاصله‌ای که میان تولید و پخش «آوای جادویی» ایجاد شد، توضیح داد: ضمن تشکر از دستگاه‌های مربوطه و ساترا باید اشاره کنم «آوای جادویی» از سال ۱۳۹۹ مجوز تولید داشته و با توجه به رسالتی که داشتیم و کیفیت برنامه برای ما اهمیت داشت، زمان تولید برنامه با یک برنامه صرفا نمایشی متفاوت شد. در مسابقه‌ای مثل «آوای جادویی» داوران ساعت‌ها برای آموزش یک هنرجو وقت می‌گذارند اما بیننده فقط یک اجرای پنج دقیقه‌ای را می‌بیند. درباره پخش محصول هم ماجرای خاصی وجود نداشت. این یک محصول خصوصی است و در زمانی که مقرر بود منتشر شود، با مجموعه‌های متعددی مذاکره شده است.

وی بیان کرد: هر مجموعه شرایط خاص خود را دارد و در معامله‌ها بعضی وقت‌ها ممکن است توافق حاصل نشود. مشکلات یا اختلال در مسیر هر کاری وجود دارد. «آوای جادویی» از همان ابتدا مجوز داشته است و هرگونه حاشیه‌ای در این زمینه را تکذیب می‌کنم. به هرحال موضوعات حاشیه‌ای اهمیتی ندارد. مهم اتفاقی است که امروز در «آوای جادویی» افتاده است و مردم مسابقه را دیده‌اند و از آن استقبال کرده‌اند.

هدفمان توجه به استعدادهای فرهنگی کشور بود

او سپس درباره نوپا بودن حوزه تولید مسابقات استعدادیابی موسیقی در ایران و چالش‌هایی که ممکن است در راه ساخت این نوع برنامه‌ها وجود داشته باشد، توضیح داد: هیچ‌وقت احساس نکردم که تولید این کار سخت‌تر از تولید یک سریال یا محصول نمایش خانگی است؛ ضمن اینکه این اتفاق برای اولین‌بار نیست که می‌افتد. در خود پلتفرم فیلمنت برنامه «بندبازی» پخش شده است. قبل از آن هم برنامه «شب‌کوک» در صداوسیما پخش شد و همین الان یک مسابقه جذاب با عنوان «هماهنگ» در حال پخش است. در سه فصل برنامه «عصر جدید» هم خیلی از شرکت‌کنندگان خواننده بودند، بنابراین فکر نمی‌کنم این موضوع جدید باشد. شاید اگر کسی وارد این حوزه نشده است به دلایل دیگری بوده است.

طهرانی تاکید کرد: هدفمان صرفا تولید یک برنامه نمایشی نبوده و به رسالت فرهنگی‌مان برای پیدا کردن استعدادهای داخل کشور توجه کرده‌ایم. تهیه‌کننده «آوای جادویی» تولید مسابقات استعدادیابی موسیقی را مستلزم توجه به نیازهای جامعه دانست و بیان کرد: افرادی که این محصولات را تولید می‌کنند باید ببینند آیا جامعه ظرفیت پذیرش این فضای استعدادیابی را دارد و می‌خواهد این برنامه‌ها را ببیند یا خیر. «آوای جادویی» برنامه‌ای بود که نشان داد مردم فضای استعدادیابی خوانندگی را دوست دارند.

ماجرای جوایز ویژه برای فینالیست‌ها چه بود؟

وی سپس درباره انتشار خبری مبنی بر جوایز ویژه «آوای جادویی» برای فینالیست‌ها (از جمله ساخت یک قطعه با آهنگسازی علیرضا افکاری) و انتقادی که از برخی برنامه‌های قبلی استعدادیابی موسیقی به‌خاطر کم‌تاثیر بودن آنها در آینده استعدادهای موسیقی می‌شد، به این اشاره کرد که قطعا فکر کردن او به تولید یک برنامه استعدادیابی موسیقی به خلأ موجود در این حوزه مرتبط بود. طهرانی اضافه کرد: برای همه محتواهایی که در این حوزه تولید شده‌اند احترام قائلم اما رسالت هر برنامه می‌تواند با برنامه‌های دیگر متفاوت باشد. زمانی هدف از تولید یک اثر صرفا سرگرمی و نمایش جهت جلب رضایت مخاطب است ولی یک وقت در کنار این موضوع، هدف بزرگ‌تری وجود دارد. در «آوای جادویی» از ابتدا این هدف وجود داشت که اینجا یک آکادمی تخصصی باشد که رقابت در آن عادلانه باشد، تیم تولید هیچ دخل و تصرفی در انتخاب‌ها نداشته باشد و داوران مستقلا کار خود را پیش ببرند.

وی عنوان کرد: آقای افکاری هم خودشان دوست داشتند این جایزه را به فینالیست هر گروه هدیه بدهند و ما هم تدابیری اندیشیده بودیم که فضایی را فراهم کنیم که هنرجویان صرفا با یک هدیه مالی از مسابقه بیرون نروند. جنبه هنری و زحمت هنرجویان برای ما ارزش دارد و این مسئولیت برای تیم «آوای جادویی» وجود داشت که در حد توان خودش به عنوان یک مجموعه خصوصی از این استعدادها حمایت کند و خروجی‌اش محدود به قطعاتی نباشد که هنرجویان در مسابقه به‌اصطلاح کاور کرده‌اند.

شباهت «آوای جادویی» به نسخه خارجی

این تهیه‌کننده سپس در پاسخ به پرسشی درباره شباهت نسخه‌های داخلی مسابقات استعدادیابی به نمونه‌های خارجی اظهار کرد: مسابقات ساخته شده در دنیا الگویی دارند که اگر از آنها استفاده نکنیم اشتباه است. مثلا اینکه یک خواننده صدای یک فرد را بدون توجه به ظاهر آن فرد در حوزه موسیقی انتخاب کند، خیلی منطقی و الگویی درست است. برای رسیدن به چنین هدفی این ایده را پیدا کرده‌اند که داوران پشت به صحنه روی صندلی بنشینند. بهره‌برداری کردن از این ماجرا اشتباه نیست؛ ضمن اینکه اصول تاک‌شوها و رئالیتی‌شوها کپی است. در همه دنیا آدم‌های خلاق وجود دارند و هر کشوری بنا بر فرهنگ و شرایط خودش آن الگوها را بومی‌سازی می‌کند. «آوای جادویی» هم می‌تواند برداشت آزادی از یک نسخه بین‌المللی باشد.

او درباره نحوه انتخاب داوران و اعلام اسامی برخی از چهره‌های مطرح دیگر موسیقی در دوران پیش‌تولید «آوای جادویی» که در نسخه نهایی حضور نداشتند هم گفت: این اشتباه است که بگوییم ما داوران را انتخاب کردیم. ما با این تیم داوری افتخار همکاری را داشتیم و نگاه ما هم این بود که سعی کنیم از تمام طیف‌هایی دعوت کنیم که امکان حضور در برنامه دارند. با خیلی از عزیزان گفت‌وگو کردیم که حتی اسم‌هایشان در خبرگزاری‌ها ذکر نشد اما گاهی اوقات آن شخصیت به خاطر زمان‌بندی کاری یا اتفاقاتی که در زندگی‌اش رخ می‌دهد امکان حضور در پروژه را ندارد.

وی یادآور شد: عزیزانی که در حال حاضر در خدمتشان هستیم هم نهایت همکاری از نظر زمان‌بندی با پروژه را داشتند و هم نسبت به موضوع استعدادیابی دغدغه داشتند. از سوی دیگر نمی‌توانستیم از اشخاصی دعوت کنیم که ممکن بود انتقاداتی نسبت به جایگاه آنها به عنوان مربی وجود داشته باشد. افرادی که اکنون در جایگاه داور-مربی حضور دارند هم اسطوره‌های خوانندگی کشورمان هستند، هم کارنامه‌های درخشانی دارند و هم دانش کافی را برای انتقال به نسل بعدی دارند.

از استقبال مردم خوشحال شدیم

تهیه کننده «آوای جادویی» همچنین درباره ویژه برنامه «آوای جادویی» با عنوان «صدای داوران» که با حضور سامان احتشامی از طریق پلتفرم فیلمنت منتشر شد، بیان کرد: این کار از یک طرف یک اتفاق دلی و جذاب بود برای اینکه شاید با اینکار بتوانیم قدردان استقبال مخاطبان برنامه باشیم. خود ما از استقبال پر شور مردم خوشحال شدیم و این جذاب بود که خود داوران را روی استیج غافلگیر کردیم و دوست داشتیم این اتفاق بیفتد که داوران به‌شکل بداهه روی صحنه حضور پیدا کنند. اینگونه توانایی ستودنی اساتید در اجرا آن هم بدون آمادگی برای چندمین بار به مردم نشان داده شد و این شاید مهم‌ترین شاخصه حضور این داوران بود. استودیوی «آوای جادویی» استودیوی برنامه‌سازی است و نه استودیوی تخصصی ضبط موسیقی، پس خیلی توانایی می‌خواهد که بدون تمرین در آن استودیو بتوانی اجرای زنده داشته باشی. داوران «آوای جادویی» این کار را انجام دادند و خدا را شکر مردم هم استقبال کردند.

او به احتمال وجود غافلگیری‌های دیگری تا انتهای برنامه اشاره و اعلام کرد: قطعا تا انتهای برنامه سورپرایزهای خیلی جذابی خواهیم داشت اما اگر بخواهیم الان بگوییم دیگر سورپرایز محسوب نمی‌شوند.

آوای جادویی ادامه دارد؟

طهرانی درباره احتمال تولید فصل‌های بعدی «آوای جادویی» هم اعلام کرد: قطعا چنین برنامه‌ای باید تکرار شود چون مخاطبان از آن استقبال کرده‌اند و اینگونه برنامه‌ها می‌توانند با احترام به سلیقه شنیداری مخاطب در تولید و انتشار آثار فاخر و اصیل به مرور زمان تاثیرگذار باشند، قطعا دوری از تولید آثار ضعیف و ضد ارزش امروز دغدغه هر متخصص موسیقی می‌باشد. وی ادامه داد: این دست برنامه‌ها می‌تواند به استعدادهایی کمک کند که در کشور و خاک خودشان هستند و تلاش می‌کنند تا در رشته‌ای موفق شوند که در آن تخصص دارند. ما در «آوای جادویی» چیزی حدود هشت هزار کلیپ از جوانان داشتیم که از بین آنان حدود ۵۰ نفر وارد برنامه شدند. ذات این مسابقه رقابت است ولی حضور این جوانان و معرفی آنان به مخاطب به خودی خود جذاب است. مهم است که بدانیم در کشورمان جوانانی هستند که خود سرمایه هستند اما سرمایه مادی یا تهیه‌کننده ندارند و یا شاید مسیر معرفی آنها به مخاطب وجود ندارد اما صداهای خیلی فاخری دارند و احتیاج به تریبونی دارند که صدای خود را به مردم برسانند. تهیه‌کننده «آوای جادویی» در پایان تاکید کرد: تعداد این جوانان کم نیست. هر کدام از این هنرمندان می‌توانند در بازار اقتصادی کشور تاثیرگذار باشند و سلیقه شنیداری مخاطب را در کنار بسیاری از خواننده‌های شناخته‌شده و خوب کشورمان از محتوای ضد ارزش و هجویات دور کنند. اگر هر کدام از این استعدادها بتوانند جایگاه خود را در تخصص‌شان پیدا کنند موجب اشتغال گروه‌های مختلف و ارتزاق بسیاری از افراد پیرامون خود می‌شوند. فکر می‌کنم تکرار برنامه‌هایی از قبیل «آوای جادویی» هم از جهت نمایشی و جلب رضایت مخاطب و ساختن لحظه‌هایی قشنگ و جذاب برای مردم مفید است و هم از این جهت که بار فرهنگی و مثبتی در جامعه دارد.

پخش مسابقه استعدادیابی موسیقی «آوای جادویی» که تولید آن در سال ۱۴۰۰ آغاز شده بود با تاخیری بیش از یک سال از ۲۵ اسفند ۱۴۰۱ در پلتفرم فیلمنت آغاز شد. فصل اول این مسابقه هم‌اکنون به مراحل پایانی‌اش رسیده است.

تهیه‌کننده «سه کام حبس» مطرح کرد

چوب جادویی بعضی فیلم‌ها!

تهیه‌کننده فیلم «سه کام حبس» با ابراز نگرانی از جای خالی تفکر در سینما، از توجه بی‌حساب و کتاب به فیلم‌های کمدی و رصد نشدن برخی اتفاق‌ها، به گونه‌ای که انگار بعضی فیلم‌ها با چوب جادویی اکران می‌شوند، انتقاد کرد.

فیلم «سه کام حبس» به کارگردانی سامان سالور اگرچه محصول سال ۱۳۹۸ است و در سی‌وهشتمین جشنواره فیلم فجر رونمایی شده بود اما سرانجام از اردیبهشت امسال روی پرده سینماها رفته و در این مدت توانسته با حدود ۳۵۰ هزار نفر تماشاگر به فروش بیش از ۱۶ میلیارد تومان برسد.

اران این فیلم با بازی پریناز ایزدیار و محسن تنابنده که درباره یکی از معضل‌های بزرگ اجتماعی یعنی مواد مخدر است، با اکران تعداد قابل توجهی فیلم کمدی همزمان شده و همین سبب شده سازندگان این فیلم همانند برخی دیگر از فیلم‌های غیرکمدی در حال اکران نسبت به زمان و تعداد سانس‌هایی که در سینماها در اختیار دارند گله‌مند باشند.

در این زمینه ساسان سالور که تهیه‌کنندگی فیلم برادرش را برعهده داشته، در گفت‌وگویی با ایسنا با تاکید بر اینکه اساسا هر فیلمی ساخته می‌شود تا اکران خوبی داشته باشد و مخاطبان آن را تماشا کنند، بیان کرد: این روزها نسبت به اکران فیلم کمدی بحث‌های زیادی مطرح است و من درک می‌کنم که سینماداران حق دارند پس از رکود دوران کرونا و اتفاق‌های اجتماعی که چراغ سینما را خاموش کرد، از فروش چند فیلم طنز رضایت داشته باشند چون این فیلم‌ها چرخه اقتصادی سینما را به گردش درمی‌آورند؛ بنابراین از این منظر هیچ مخالفتی با فیلم‌های کمدی ندارم چه بسا که به سینما کمک هم می‌کنند منتها براساس رصدی که در این مدت داشتم، به نظر می‌رسد تغییراتی در سیاست‌گذاری‌های اکران بخصوص برای فیلم‌های اجتماعی باید صورت گیرد.

او گفت: اینکه در یک روز پنجشنبه حدود دوهزار سئانس به سه فیلم طنز اختصاص پیدا می‌کند و ۱۱۰۰ سئانس را به ۸ فیلم اجتماعی روی پرده می‌دهند سبب می‌شود احساس خطر کنیم و باید ببینیم چه اتفاقی در حال رخ دادن است. با وجود حقی که برای سینماداران قائل هستم اما نباید با این نگرش همه چیز را به سمت‌وسوی فیلم‌های کمدی ببریم. ما نباید این باور را داشته باشیم که به دلیل برابر نبودن فروش فیلم‌های اجتماعی به اندازه فیلم‌های کمدی، آن‌ها را به سمت حذف شدن ببریم چرا که فیلم‌های اجتماعی معمولاً به آرامی مخاطب خود را پیدا می‌کنند و باید فضایی داشته باشند تا شرایط برای دیده شدن آن‌ها مهیا شود.

او با اشاره به آیین‌نامه‌های شورای صنفی نمایش و تعیین سرگروه و سقف هفت هفته برای اکران ادامه داد: در آیین‌نامه شورا این نکته در نظر گرفته نمی‌شود که روزهای خوب و طلایی برای اکران، فقط سه روز فروش بلیت نیم‌بها (سه‌شنبه) و دو روز آخر هفته یعنی پنجشنبه و جمعه هستند و این، واقعیت سینمای ماست که با تعیین هفت هفته تطابق ندارد؛ چون مثلا برای فیلم «سه کام حبس» تعطیلی‌های رسمی عزاداری با بعضی از این روزهای طلایی اکران همزمان شد و هیچ جایگزینی برای آن‌ها نداشتیم. به‌جز این مورد، مدام بحث پایان هفت هفته و سرگروه مطرح می‌شود. واقعا چرا وقتی فیلمی بیش از ۵۰ درصد ظرفیت خود را پر می‌کند نباید در سئانس‌های خوب اکران شود؟ ما اگر حرفی بزنیم می‌گویند فقط به نفع خودش صحبت می‌کند؛ البته که من نفع فیلم خود را در نظر دارم ولی باقی فیلم‌های غیرکمدی هم وضعیتی مشابه دارند. سوال اینجاست که در نهایت کجا باید سلایق مختلف مردم را در نظر بگیریم؟ الان فیلم‌های سینمای کودک کجا هستند؟ فیلم‌هایی از ژانر وحشت چطور؟

سالور با تاکید بر اینکه مخاطب حرف‌هایش صاحبان هیچ فیلم خاصی نیستند، گفت: من دلم نه فقط برای فیلم خودم بلکه برای فیلم آقای میرکریمی و دیگر دوستان هم می‌سوزد چون انگار یک عده پشت صحنه‌ای نشسته‌اند و برای میزان فروش فیلم‌ها تصمیم می‌گیرند. مثلا اگر فروش فیلم من به حدی رسیده که از نظر آن‌ها خوب است می‌توان اکران را تمام کرد. سوال من این است که چطور این تصمیم‌گیری‌ها را انجام می‌دهند؟ اگر گنجایش اکران برای این تعداد فیلم نیست، چرا فیلم اکران می‌کنند؟ چرا فیلم‌های بخش خصوصی را می‌سوزانند؟ اصلا وضعیت فروش بلیت‌ها چطور رصد می‌شود؟ این عجیب نیست که یک فیلم از هفته سوم اکران افت فروش دارد ولی در هفته آخر برای اینکه بتواند روی پرده بماند، ناگهان بیشتر بلیت‌هایش فروش می‌رود ولی وقتی به همان سالن می‌روی می‌بینی تقریبا خالی از تماشاگر است!؟ وقتی چنین اتفاق‌هایی می‌افتد جنگ بین من و همکارانم به اینجا می‌رسد که من باید بگویم فیلم آن‌ها نمی‌فروشد و آن‌ها هم درباره فیلم من اظهارنظر کنند و به همین راحتی دعوا به پا می‌شود.

این تهیه‌کننده سینما در بخشی دیگر از صحبت‌هایش اظهار کرد: من با فیلم طنز مشکلی ندارم بخصوص آنکه هر سرمایه‌گذاری به دفتر من می‌آید یک طرحی از فیلم کمدی دارد. حتی شاید خودم فیلم کمدی بسازم اما حرفم این است آیا باید به این شدت و حدت، تمام تمرکز بر سینمای کمدی باشد، طوری که اگر یک سئانس به سینمای اجتماعی بخواهند بدهند با منت باشد؟ این قابل قبول نیست که در پردیس‌های سینمایی چندسالنه هر نیم ساعت فیلم کمدی روی پرده باشد و برای فیلم اجتماعی ساعت ۱ تا ۵ بعدازظهر را بدهند. تا حرف هم بزنی می‌گویند زمان هفت هفته اکران فیلمت تمام شده. من کجا باید بگویم که این هفت هفته در عمل فقط معادل ۲۱ روز بوده؟

او ادامه داد: یک مسئله مهم دیگر این است که آیا به این فکر شده که اگر چند ماه آینده تماشاگران فیلم‌های کمدی را پس بزنند تکلیف سینما چه می‌شود؟ اصلا بخش تفکر سینما قرار است کجا جای بگیرد؟ چطور می‌شود که فیلمی مثل «سه کام حبس» که به یکی از معضلات بزرگ اجتماعی می‌پردازد حتی به اندازه یک کاغذ آ۴ تبلیغ محیطی ندارد چه رسد به بیلبورد!؟

سالور در پایان با اشاره به اینکه شرایط اکران نامتعادل و در جاهایی ناعادلانه پیش می‌رود، گفت: از دوستان تصمیم‌گیرنده خواهش می‌کنم رصد کنند که در اکران چه اتفاقی در حال رخ دادن است. باید رصد شود که آیا بعضی فیلم‌ها واقعا چوب جادویی دارند که وضعیت فروش بلیت‌شان در هفته آخر ناگهان بالا می‌رود. همچنین نباید فراموش کرد که ضریب اشغال برای تماشای فیلم‌ها بیشتر در آخر هفته و روزهای بلیت نیم‌بهاست پس باید به یک راهکار درست برسیم که اجرایی شود.

یکی از نوازندگان گروه علیرضا قربانی:

تماشای چشم نمناک و همخوانی تماشاگران از روی صحنه جذاب‌تر است

یکی از نوازندگان ویولنسل کنسرت‌های علیرضا قربانی درباره علت محبوبیت اثر «روزگار غریب» با صدای این خواننده بیان می‌کند: مخاطبان در این شب‌ها با قطعه «روزگار غریب» همخوانی می‌کنند. «روزگار غریب» شرح حال زیست دوره‌ای است که آن را پشت سر گذاشته‌ایم و حال مردم را بازگو می‌کند و به همین دلیل این قطعه در این سال‌ها پرمخاطب‌ترین قطعه بوده است که در اجراها داشته‌ایم.

به گزارش ایسنا، مسعود فیروزی‌نژاد نوازنده ویولنسل در گروه ارکستر علیرضا قربانی که این شب‌ها در کنسرت این هنرمند در مجموعه فرهنگی‌تاریخی سعدآباد می‌نوازد، درباره این اجراها با اشاره به اینکه تمرین‌های سخت و فشرده‌ای را پشت سر گذاشته‌اند، گفت: تاکنون اجراهای درخشانی را پشت سر گذاشته‌ایم و امیدوارم تا آخرین روز کنسرت این حس و حال همراه گروه باشد. هر شب و با حضور این حجم از مخاطبان علاقه‌مند، حال خوشی روی صحنه تجربه می‌کنیم. اینکه هر شب برای نزدیک به ۳ هزار نفر اجرا داشته باشیم، قطعا کار سخت اما لذت‌بخش و دلپذیری است و ما برای شب‌های بعد با این انرژی خوبی که از مخاطبان گرفته‌ایم مشتاق‌تر روی صحنه حاضر خواهیم شد. فیروزی‌نژاد که تور کنسرت‌های شهرستان‌های علیرضا قربانی را همراهی کرده است، درباره استقبال در شهرهای دیگر گفت: استقبال از این تور کنسرت در شهرستان‌ها کم‌نظیر و زیبا بود و شور و حالی خاص از طرف مردم داشت. در شهر رشت با صحنه‌هایی در کنسرت مواجه شدیم که برای همه ما شگفت‌انگیز بود؛ همخوانی‌ای که مردم با آقای قربانی داشتند خیلی در این حال و هوا تاثیرگذار بود و این حس خوب را به گروه هم منتقل می‌کرد. این نوازنده ویولنسل درباره محبوب‌ترین قطعه در این اجراها گفت: انتخاب یک قطعه برای من بسیار سخت است؛ چون هر قطعه حس و حال خاص خودش را دارد و با مخاطبان این حس و حال دوچندان شده است.

او در ادامه بیان کرد: روی صحنه حس و حال مخاطبان را کاملا درک می‌کنیم و برخی از مخاطبان که با این قطعه‌ها ارتباط عاطفی برقرار کرده و گاهی چشمانشان نمناک می‌شود و همخوانی می‌کنند، از روی صحنه دیدنی‌تر است. این‌گونه حس و حال مخاطب باعث ارتباط حسی نزدیکی بین ما و آنها می‌شود و به همین دلیل این کنسرت نسبت به اجراهای گذشته متفاوت‌تر شده است. از اجرای قطعه اول این حس عاطفی بین مخاطبان وجود دارد و مردم عاشقانه‌های خود را با این قطعه‌ها مرور می‌کنند.

نگاه

نویسنده‌ای که با «غرور و تعصب» ماندگار شد

«جین آستن» را برای نگارش رمان ماندگار «غرور و تعصب» می‌شناسیم. با این حال سایر رمان‌های این نویسنده پس از گذشت بیش از ۲۰۰ سال از مرگ زودهنگام او همچنان در سراسر جهان پرطرفدارند.به گزارش ایسنا، داستان سرگذشت شخصیت‌های کتاب‌های «جین آستن» که در دوره تاریخی دیگری نوشته شده، حتی الهام‌بخش کلاسیک‌های مدرن‌تری مانند فیلم «سرنخ» ۱۹۹۵ (بر اساس داستان «اما» نوشته «آستن») شده است.

نکته قابل توجه درباره آثار ادبی «آستن» این است که کتاب‌های او «دوره نیابت سلطنت» در تاریخ انگلستان (دوره برکناری پادشاه جورج سوم و جانشینی فرزندش) یعنی از ۱۸۱۱ میلادی تا ۱۸۲۰ میلادی را روایت می‌کند. همان‌طور که نام «شکسپیر» تداعی‌کننده سیاست‌ها و جامعه الیزابتی انگلستان است، نام «جین آستن» نیز به نظر می‌رسد که دوره «جورجی» انگلستان را دربرگرفته است.

جالب است بدانید که صمیمی‌ترین دوست «جین آستن»، خواهرش «کاساندرا» بود. «کاساندرا» و «جین» هرگز ازدواج نکردند، با این حال گمان می‌رود هر دو آن‌ها یک بار نامزد کرده بودند. این دو خواهر تا پایان عمر ارتباط بسیار نزدیکی با همدیگر داشتند. این دو که در مدرسه شبانه‌روزی تحصیل کرده بودند، ذوق و قریحه هنری داشتند. وقتی «جین» می‌نوشت، «کاساندرا» طراحی می‌کرد و نقاشی می‌کشید. طراحی آبرنگی که «کاساندرا» از چهره «جین» انجام داده، تنها پرتره معتبر به‌جای‌مانده از این نویسنده است.

عنوان «غرور و تعصب»، مشهورترین کتاب «جین آستن» در ابتدا «نخستین تاثیرات» بود. این نویسنده جوان احتمالا مشهورترین اثر ادبی خود درباره داستان «الیزابت بنت»، خواهران ابله و آقای «دارسی» غمگین را در فاصله ۱۷۹۶ تا ۱۷۹۷ میلادی به نگارش درآورده است. در نامه‌ای که «جین» برای خواهرش نوشته است، نام رمان «غرور و تعصب» در ابتدا «نخستین تاثیرات» بود که اتفاقا با توجه به سوءبرداشت‌های شخصیت‌های کتاب، عنوان مناسبی به نظر می‌رسید. البته نسخه اولیه این کتاب در ابتدا منتشر نشد و چندین سال خاک خورد. در سال ۱۸۱۱، «آستن» نسخه اولیه کتاب را تا حد بسیار زیادی ویرایش کرد و آن را به قیمت ۱۱۰ پوند به یک ناشر فروخت. گمان می‌رود، «آستن» با الهام از یکی از فصل‌های کتاب «سیسیلیا» (۱۷۸۲) عنوان نهایی رمان خودش را انتخاب کرده باشد.

«آستن» با نگارش رمان‌هایش پول زیادی درنیاورد و با سرمایه اندکی درگذشت. می‌توان گفت که «آستن» به عنوان یک نویسنده درآمد کمی کسب کرد. او برخی از کتاب‌هایش را به صورت کمیسیونی فروخت و در ازای فروش هر نسخه مبلغی را دریافت می‌کرد. اما او برای برخی دیگر از کتاب‌هایش، حق نشر را به طور مستقیم به ناشران می‌فروخت. او حق نشر «غرور و تعصب» را فقط ۱۱۰ پوند فروخت، اما فروش این کتاب بعدها بیشتر شد. چنین درآمدی برای یک زن جوان تحسین‌برانگیز بود، اما به اندازه‌ای کافی نبود که به عنوان یک زن طبقه متوسط و تحصیل‌کرده به طور مستقل زندگی کند. زمانی که «آستن» درگذشت، سرمایه او کمتر از ۸۰۰ پوند تخمین زده شد.

محبوبیت گسترده‌ای که «آستن» امروزه از آن برخوردار است، سال‌ها پس از درگذشت او شکل گرفت، اما هنوز کاهش پیدا نکرده است. با این‌که کتاب‌های «آستن» در زمان حیات او نسبتا خوب فروش می‌رفتند، اما شهرت او عمدتا پس از درگذشت این نویسنده شکل گرفت. بسیاری از دست‌نوشته‌ها و نامه‌های او عمدا و یا سهوا نابود شده‌اند. با این حال خوشبختانه اعضای خانواده او یادگاری‌ها و چند نامه مشخص را برای نسل‌های بعدی نگه داشتند. برادرزاده «آستن» نخستین زندگی‌نامه او را در سال ۱۸۶۹ میلادی با عنوان «خاطرات جین آستن» نوشت.

آستن به طرز مرموزی بیمار شد و در سال ۱۸۱۷ در سن ۴۱ سالگی درگذشت. علت درگذشت این نویسنده هنوز مشخص نیست. در سال ۱۸۱۶، حدود یک سال قبل از درگذشت «آستن»، وضعیت سلامت این نویسنده وخیم شد. برخی معتقدند که او به سرطان مبتلا شده بود، و برخی دیگر بیماری «آدیسون» را محتمل می‌دانند. کتاب‌های «آستن» به زبان‌های مختلفی ترجمه و منتشر شده و تاکنون بارها با اقتباس از آثار ادبی این نویسنده اقتباس‌های سینمایی و تلویزیونی صورت گرفته است.

اخبارکوتاه

«خانم آوازخوان کله طاس» به صحنه می‌آید

اوژن یونسکو، نویسنده‌ای که به عنوانی یکی از سردمداران تئاتر ابزورد شناخته می‌شود، همچنان مورد اقبال گروه‌های نمایشی است و به زودی هم یک گروه جوان نمایشی را با عنوان «خانم آوازخوان کله طاس» با بهره‌گیری از یکی از آثار مشهور یونسکو روی صحنه می‌برند.

به گزارش ایسنا، ارتباطات انسان‌ها در دنیای مدرن با وجود رشد عجیب وسایل ارتباط جمعی، همچنان محل مناقشه است و این‌گونه است که آثار نویسنده‌ای مانند یونسکو هنوز هم در جهان امروز تازگی دارد.

نمایشنامه «آوازخوان طاس» یکی از آثار مشهور یونسکو است که این گروه نمایشی آن را دستمایه اجرای نمایش خود قرار داده‌اند.

نمایش «خانم آوازخوان کله طاس» با ترجمه علی باش و کارگردانی حمیدرضا مرادی از نیمه تیرماه اجرای خود را در خانه نمایش «دا» آغاز می‌کند.

گروه اجرایی این نمایش در معرفی اثر خود به وضعیت ارتباطات در جهان مدرن توجه داشته‌اند و مانیفست اجرای خود را چنین اعلام کرده‌اند:

«انسان‌ها هنگامی که با هم حرف می‌زنند، نمی‌دانند چه می‌خواهند بگویند و سخن گفتن، جای نزدیک‌تر ساختن، آنها را بیش از پیش از هم دور ساخته و این خصوصیت شگفت‌انگیز و غیر عادی زیستن در عصر ماست.

در دنیای مدرن، عملا هیچ ارتباط حقیقی‌ای بین انسان‌ها وجود ندارد و تنها توهمی از ارتباط وجود دارد و زبان، که مهم‌ترین ابزار رابطه و شالوده کنش‌های آدمی است، نه تنها قدرت، که کارایی خود را از دست داده و کلمات به صورت بسته‌هایی آماده و از پیش تعیین‌شده و کلیشه‌هایی تکراری درآمده‌اند.

در اینجا بر روی صحنه اتفاقی نمی‌افتد، چیزی گفته نمی‌شود.

در اینجا آدم‌ها را بعد از فاجعه می‌بینیم.

در اینجا ما فقط به احساسات لطیف‌تر بخش زنده وجودمان نیاز داریم.»

اهل تئاتر خوب می‌دانند که نویسندگانی مانند یونسکو و بکت در واکنش به وضعیت اروپا بعد از جنگ دوم جهانی آثاری را به نگارش درآوردند که به عنوان تئاتر ابزورد مشهور شد، تئاترهایی که در آن انسان‌ها قادر به برقراری ارتباط با یکدیگر نیستند. این گونه تئاتری که در ایران به عنوان تئاتر نیستانگاری شناخته می‌شود، همچنان مورد توجه گروه‌های نمایشی در عصر حاضر است.

نمایش «خانم آوازخوان کله طاس» با بازی نرگس کیومرثی، پگاه نوربخش، عباس نورمحمدی، حمیدرضا مرادی، بیتا پورحسینی و غلام قلندری روی صحنه می‌رود.

این نمایش از نیمه تیرماه هر شب راس ساعت ۲۱ و به مدت یک ساعت در خانه نمایش دا به نشانی خیابان انقلاب، خیابان خارک، بن بست اول، شماره ۵ روی صحنه می‌رود.

تقدیر ویژه پالم اسپرینگز از فیلمی با بازی باران کوثری

فیلم کوتاه «۴۸ ساعت» ساخته آزاده موسوی تقدیر ویژه هیات داوران جشنواره بین‌المللی فیلم کوتاه پالم اسپرینگز را دریافت کرد.

به گزارش ایسنا، جشنواره بین‌المللی فیلم کوتاه پالم اسپرینگز در کشور آمریکا به کار خود پایان داد و فیلم «۴۸ ساعت» ساخته آزاده موسوی به نمایندگی از سینمای ایران تقدیر ویژه بخش بهترین‌های جشنواره را به خود اختصاص داد.

این فیلم کوتاه ۲۰ دقیقه‌ای درباره مردی به نام نادر است که پس از گذراندن سه سال در زندان موفق به دریافت مرخصی می‌شود و ۴۸ ساعت فرصت دارد که برای فرزندش پدر باشد. باران کوثری، رضا اخلاقی راد و دُرین افشاریان بازیگران این فیلم کوتاه هستند که مسعود امینی تیرانی فیلمبرداری و سپیده عبدالوهاب تدوین آن را بر عهده دارند.

در جشنواره فیلم امسال پالم اسپرینگر فیلم کوتاه «کلاغ پیر جوان» به کارگردانی «لیام لوپینتو» محصول مشترک آمریکا و ژاپن جایزه بهترین فیلم جشنواره امسال را از آن خود کرد. این فیلم کوتاه درباره پسری ایرانی است که با یک پیرزن ژاپنی در قبرستانی در توکیو آشنا می‌شود.

بیست و نهمین دوره جشنواره بین‌المللی فیلم‌های کوتاه پالم اسپرینگز امسال در مرکز فرهنگی این رویداد در کالیفرنیا برگزار شد و سه چهره ایرانی نیز از داوران جایزه «پلی بر فراز مرزها» در این جشنواره سینمایی بودند.

آرامه اعتمادی، رامین نیامی و بیژن تهرانی در کنار «کیلی بجر»، «ولادک یوشکوویچ»، «دبورا کولار»، «ورا میجوجلیک» و «چاله نافوس» داوران این جایزه در جشنواره کوتاه پالم اسپرینگز بودند که در نهایت فیلم قطری «سراب» به کارگردانی داوود عبدالله را به عنوان برنده این جایزه انتخاب کردند.